

ضرورت حضور مددکار اجتماعی در دادگاه خانواده

کاهش طلاق و ایجاد سازش در دادگاه ها یکی از نخستین وظایف مددکاران اجتماعی است...



سلامت نیوز: کاهش طلاق و ایجاد سازش در دادگاه ها یکی از نخستین وظایف مددکاران اجتماعی است. در حالی که براساس آمارهای موجود از هر ۶ ازدواج در کشور و از هر 4.5 ازدواج در تهران یک مورد به طلاق ختم می شود، کارشناسان مدت هاست درباره دلایل افزایش طلاق و راه های مقابله با آن و آسیب های پس از طلاق تحقیق می کنند. در گذشته بسیاری از مشکلات زندگی زناشویی با ریش سفیدی یا پا درمیانی بزرگ ترهای فامیل رفع می شد و علاقه به ادامه زندگی بیش از تلاش برای قطع پیوند ازدواج بود.

اما تغییرات گسترده در نظام اجتماعی، تغییر ساختارها و باورها در چارچوب خانواده، تغییر نگرش به ارزش ها و میزان پای بندی به آن ها، تعارض بین سنت و مدرنیته، غلبه تفکر احساسی بر تفکر منطقی در خانواده ها و بسیاری مسائل دیگر باعث شده است که طلاق نه با پا درمیانی بزرگ ترها و نه با ریش سفیدی اعضای خانواده و فامیل و نه هیچ اهرم دیگری قابل پیشگیری نباشد.

واقعیت این است که هیچ زوجی برای جدایی پای سفره عقد نمی نشینند اما وقتی دامنه اختلافات بالا می گیرد و حرف طلاق به میان می آید چگونه می توان آن ها را بار دیگر به ادامه زندگی مشترک سوق داد؟ آیا راهی وجود دارد که بتوان زوج را از دادگاه به کانون خانواده برگرداند؟ طبیعی است اولین نکته ای که به ذهن می رسد پیدا کردن مشکل اصلی و ریشه اختلافات آن هاست.

استقرار گروه های تخصصی در دادگاه

آمار پدیده های اجتماعی مانند طلاق در جوامع مختلف و حتی در میان اقشار متفاوت، مختلف است. اما در کشور ما متأسفانه آمار طلاق رو به افزایش است. سید حسن موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران، به مهر می گوید: براساس تحقیقات انجام شده مصرف مواد مخدر، دخالت والدین و نارضایتی از روابط زناشویی از مهم ترین عوامل طلاق در بین خانواده هاست و برای کاهش طلاق باید گروهی تخصصی متشکل از کارشناس، مددکار و مشاور در دادگاه های خانواده مستقر شود.

از عوامل فرعی وقوع طلاق نیز می توان به سوءظن زوجه نسبت به زوج، خشونت، نابرابری، داشتن روابط نامشروع و ارتکاب به جرایم اشاره کرد. به گفته وی براساس آمارهای به دست آمده در سال گذشته بیشترین موارد طلاق در میان زوج هایی روی داده است که کمتر از ۳ سال از زندگی آن ها گذشته است که مهم ترین علت آن برخوردار نبودن زوج ها از مهارت حل مسئله و مهارت های زندگی است. ضمن این که بسیاری از سوءتفاهم ها به دلیل حرف نزدن در میان آن ها ایجاد شده است. در واقع باید از دوران کودکی روی سلامت اجتماعی افراد کار کرد تا متناسب با افزایش سن، بلوغ اجتماعی فرد رشد کند و مشکلات کمتری در زندگی داشته باشد.

بنابراین با روند افزایش طلاق در کشور لازم است مددکاران اجتماعی در دادگاه ها هم حضور داشته باشند. همچنین دکتر مصطفی اقلیما مشاور و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در گفت و گو با خراسان درباره تاثیر حضور مددکاران اجتماعی در دادگاه خانواده می گوید: طبق تحقیقاتی که چند سال قبل در مشهد انجام شد، با فعالیت این افراد از وقوع ۷۰ درصد از موارد طلاق جلوگیری شد.

هم اکنون در دادگاه ها دفاتر مشاوره وجود دارد اما بدون حضور مددکار اجتماعی این دفاتر ناکارآمد است زیرا بیشتر زوج هایی که به دادگاه می آیند، نیاز به حضور مددکار اجتماعی با تجربه و ماهر دارند تا راهکاری جدی برای ادامه زندگی به آن ها ارائه شود. از طرف دیگر به طور سنتی این باور در خانواده ها وجود دارد که زنی که پایش به دادگاه باز شد دیگر زن نمی شود.

بنابراین زوج ها پس از حضور در دادگاه به لجبازی می افتند و می خواهند روی هم را کم کنند. از این رو اختلافات پس از دادگاه بالا می گیرد. حتی آن ها گاهی پس از حضور در دادگاه برای طلاق پافشاری بیشتری می کنند و آمادگی بیشتری برای طلاق پیدا می کنند. در صورتی که فرد می تواند با مراجعه به مددکار در تصمیم طلاق تجدیدنظر کند.

به گفته وی هم اکنون مشاوره های موجود در دادگاه ها برای چگونگی اخذ مهریه، تسریع در صدور طلاق و مسائلی از این قبیل مشاوره می دهند و برای کاهش طلاق کاری نمی کنند.

در نهایت در بسیاری از این دفاتر از زوج یا زوجه می خواهند کوتاه بیاید و زندگی اش را ادامه بدهد. در حالی که یک مددکار اجتماعی می تواند مشکل آن ها را شناسایی کند، آن را به تایید ۲ نفر برساند سپس از آن ها بخواهد فکر کنند چگونه می توانند آن را حل کنند. نکته این جاست که فراموش کردن مشکل در این برهه مشکلی را از پیش پای زوج ها بر نمی دارد بلکه شناسایی و حل آن است که به کاهش طلاق منجر می شود.

از آن جا که اختلافات خانوادگی و زناشویی حیطه بسیار پیچیده ای است و بسیاری از مسائل اجتماعی با آن تنیده شده است فقط یک مددکار اجتماعی و نه مشاور یا روان شناس می تواند آن را شناسایی و حل کند. دکتر اقلیما با اشاره به این که تبعات طلاق در جامعه ما به حدی است که بسیاری از زنان تا جایی که می توانند در زندگی سازگاری به خرج می دهند، تاکید می کند: در این موارد وقتی کار به طلاق می کشد، زندگی دوباره قابل پیوند خوردن نیست زیرا همسری که ۱۰ سال یا بیشتر با اعتیاد، بیکاری، ناسازگاری یا بدخلقی همسرش ساخته است، صبرش به سر می آید و دیگر نمی تواند تحمل کند بنابراین یک بار تصمیم می گیرد و در مراجعه به دادگاه فقط خواستار طلاق است.

از طرف دیگر طبق آمارها ۴۰ درصد از طلاق ها در افراد بین ۲۰ تا ۲۴ سال و ۷۰ درصد طلاق ها در سنین ۲۰ تا ۲۷ سال رخ می دهد. این آمار نشان می دهد که علت بیشتر طلاق ها در کشور ما این است که انتخاب درستی صورت نگرفته است. در مواردی خانواده ها به امید وام ازدواج جوان را تشویق به ازدواج می کنند و در حالی که وی حتی قادر نیست خرج یک روز از زندگی خود را تامین کند، او را گرفتار مشکلات عدیده و پیچیده پس از ازدواج می کنند.

استقلال کلید موفقیت در ازدواج

وی با اشاره به این که هنوز بسیاری از والدین معنای استقلال فرزندان خود را اشتباه دریافته اند تصریح می کند: کسب استقلال یعنی این که جوان بتواند ۲ سال به تنهایی از پس مخارج خود برآید. ۹۰ درصد جوانانی که ازدواج می کنند تا روز دامادی سر سفره پدر و مادر خود هستند و با ازدواج یک نفر را به خانواده خود اضافه می کنند و شرایط مالی را بدتر می کنند. در این شرایط جوان صد صد به پدر و مادر وابسته است و طبیعی است که آن ها بر امور مالی فرزند خود نظارت داشته باشند. نقطه شروع بسیاری از مشکلات زوج های جوان همین جاست. زوج جوانی که استقلال مالی نداشته باشند نه فقط بین خود بلکه با والدینشان درگیر می شوند و نمی توانند مشکلات خود را حل کنند.

توصیه اکید ما به والدین این است که پس از کسب استقلال به انتخاب آگاهانه فرزند خود کمک کنند و برای تشکیل زندگی به او یاری برسانند اما بار مشکلات را خود به دوش نگیرند و سعی کنند فرصت آزمون و خطا به جوانان بدهند.

جوان پس از کسب استقلال باید به بلوغ اجتماعی برسد تا بتواند در اجتماع گلیم خودش را از آب بکشد. او باید فاصله منطقی با خانواده اش داشته باشد تا راه خودش را بیابد. وابستگی بیش از حد والدین به فرزندان و بالعکس آسیب های زیادی به همراه دارد که یکی از آن ها به تاخیر افتادن استقلال مالی و غیرمالی فرزند است.

اگر والدین بدانند که استقلال چه نقش مهمی در زندگی جوانان دارد و آن ها چگونه می توانند با فراهم کردن زمینه استقلال به جوانان خود کمک کنند، دست از کمک های مالی بی دریغ به جوان که فقط وابستگی آن ها را به دنبال دارد، بر می دارند و سعی می کنند به آن ها این فضا را بدهند که خودشان را پیدا کنند و به موقع ازدواج کنند.